

فرمانده معظم کل قوا: «مجموعه‌ی مقاومت در این منطقه توانایی خودش را در مواجهه‌ی با استکبار، در مواجهه‌ی با آمریکا، در مواجهه‌ی با جبهه‌ی متحد کفر و ظلم نشان داده است.» (۱۳۹۸/۷/۱۰)

مقاله پژوهشی: ارزیابی نقش محور مقاومت در بازدارندگی ناهمپراز ج.ا.ایران

در برابر سیاست مهار آمریکا^۱

۲۰،۱۰۰۱،۱،۱۷۳۵۱۷۲۳،۱۴۰۰،۱۹،۷۴،۳،۶

امیرحسین وزیریان^۲، ولی گل محمدی^۳ و علی علیزاده^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵

چکیده

ماهیت استکبارستیزانه و ظلم‌ستیزانه ج.ا.ایران از ابتدای پیروزی انقلاب موجب تقابل همه‌جانبه آمریکا با نظام اسلامی شد. این پژوهش با توجه به اهمیت تقابل ج.ا.ایران و آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌ویژه در سال‌های اخیر بر آن است که به تحلیل ماهیت کنش و واکنش‌های این دو کشور در برابر هم با بهره‌گیری از روش ترکیبی (کیفی و کمی) بپردازد. برای انجام این کار در گام نخست با بهره‌گیری از مطالعات اکتشافی به سیاست مهار آمریکا و رویکرد ناهمپراز ج.ا.ایران به عنوان راهی برای مقابله با سیاست‌های آمریکا پرداخته شده است. در گام دوم نمونه آماری از خبرگان به تعداد ۳۰ نفر انتخاب گردید و نتایج مبانی نظری (سیاست مهار، بازدارندگی ناهمپراز و محور مقاومت) به‌وسیله پرسشنامه به آنها ارائه و داده‌ها با نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است حمایت ج.ا.ایران از گروه‌های محور مقاومت در عراق، لبنان، سوریه و یمن نقش مهمی در اجرای بازدارندگی ناهمپراز ج.ا.ایران در برابر آمریکا در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰ داشته است. همچنین آینده این رویکرد در افق ۲۰۲۵ در گرو روندهای نه‌گانه روی کار آمدن بایدن، تحقق معامله قرن، افزایش مناقشه‌های ژئوپلیتیکی و سیاسی بلوک اخوانی-سلفی، تحولات فلسطین، خروج ج.ا.ایران از برجام، تداوم ثبات سیاسی در سوریه، افزایش مناقشه‌های خارجی در عراق، موقعیت میدانی حزب‌الله لبنان و تحولات یمن خواهد بود.

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی است که در پژوهشکده امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی انجام پذیرفته است.

۲. دکترای علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس تهران (نویسنده مسئول) - vazirian.amir@gmail.com

۳. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس تهران - Vali.golmohammadi@modares.ac.ir

۴. دکترای علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی و پژوهشگر ارشد دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات

واژگان کلیدی: بازدارندگی ناهمطراز، ج.ا.ایران، آمریکا، محور مقاومت، سیاست مهار.

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تغییر گسترده‌ای را در مناسبات تهران و واشنگتن به همراه داشت. به گونه‌ای که روابط دو کشور را از اتحاد و دوستی به سمت تقابل و رویارویی سوق داد. از این رو، آمریکا به‌عنوان قدرت برتر نظام بین‌الملل به‌ویژه پس از پایان جنگ سرد، کوشید تا با بهره‌گیری از سیاست مهار، به مقابله با نظام انقلابی ایران با هدف محدود کردن توان کنشگری و کاهش تحرک منطقه‌ای آن بپردازد. از سوی دیگر با افزایش مؤلفه‌های قدرت ایران اسلامی در دو دهه اخیر، ج.ا.ایران کوشیده تا با شکل دادن به یک ائتلاف راهبردی به نام «محور مقاومت»، در مقابل سیاست مهار آمریکا ایستادگی کند. بررسی کنش و واکنش دو طرف در این تحقیق موردنظر است.

۱. کلیات

۱-۱. بیان مسئله

رویکرد خصمانه آمریکا در قبال ج.ا.ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در قالب سیاست مهار و با هدف محدود کردن توان کنشگری منطقه‌ای، تعیین محدوده مشخص برای ج.ا.ایران در مرزهای مشخص (جغرافیایی، توان نظامی و...)، حصر ژئوپلیتیکی، منزوی کردن و تضعیف توانمندی‌های دفاعی ج.ا.ایران اعمال شده است. امری که ج.ا.ایران را بر آن داشته تا به‌منظور مقابله با این سیاست دست به اقدام‌های لازم برای دفاع از خود بزند. از این رو ج.ا.ایران رویکرد بازدارندگی ناهمطراز را به‌عنوان سیاست اصلی خود برگزیده که در آن بر بهره‌گیری از نیروهای محور مقاومت در منطقه غرب آسیا به‌منظور مقابله با تهدیدها، به چالش کشیدن نظم بین‌المللی لیبرال و تثبیت موقعیت خود به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای نظم‌ساز تأکید دارد. بنابراین مسئله اصلی این تحقیق ادراک نقش نیروهای مقاومت در بازدارندگی ناهمطراز ج.ا.ایران در برابر سیاست مهار آمریکا در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰ و تحلیل روندهای مؤثر بر آن در افق ۲۰۲۵ است.

۲-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

در مورد اهمیت و بعد ایجابی (چرایی مهم بودن تحقیق) می‌توان به مواردی چون اهمیت درک ماهیت و ابعاد فشارهای همه‌جانبه آمریکا و واکاوی نقش محور مقاومت در سیاست‌های دفاعی و منطقه‌ای ج.ا.ایران به‌منظور مقابله با سیاست مهار آمریکا در غرب آسیا اشاره کرد. از نظر ضرورت تحقیق یا بعد سلبی (کارکردها) می‌توان به مواردی چون تبیین روندهای مؤثر بر سیاست منطقه‌ای ج.ا.ایران و محور مقاومت در افق ۲۰۲۵ به‌منظور اتخاذ سیاست‌های کارآمدتر اشاره داشت.

۳-۱. پیشینه تحقیق

(۱) «رضا سیمبر» (۱۳۸۹) در مقاله «سیاست خارجی آمریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران» این فرضیه را مطرح کرده که آمریکا در سال‌های پس از جنگ سرد به عنوان تنها هژمون نظام بین‌الملل سعی در مهار هژمون‌های سایر مناطق داشته است تا از پدیدار شدن آنها به عنوان یک رقیب هم‌تراز جلوگیری کند. او نتیجه می‌گیرد که از آنجا که ایران در منطقه از پتانسیل‌های بالایی برای هژمونی منطقه‌ای برخوردار است، آمریکا کوشیده تا با بهره‌گیری از ابزارهای گوناگون از جمله تحریم‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی نفوذ منطقه‌ای ج.ا.ایران را مهار کند. (سیمبر، ۱۳۸۹)

(۲) «محسن اسلامی و فرزانه نقدی» (۱۳۹۵) در مقاله «ابزار تحریم و سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران» به این نتیجه دست پیدا کردند که از آنجا که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ج.ا.ایران و آمریکا روابط تقابلی با یکدیگر داشته‌اند، تحریم‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی یک راهبرد آزمایش‌شده در مهار قدرت و نفوذ منطقه‌ای ج.ا.ایران از سوی آمریکا بوده که همواره در سندهای راهبردی امنیت ملی این کشور منعکس شده و به‌عنوان رکن اساسی راهبرد مهار آمریکا در ساختارهای قانون‌گذاری این کشور نهادینه شده

است. بنابراین امضای توافق برجام نیز با وجود برخی گشایش‌های جزئی نمی‌تواند ساختار سیاست مهار آمریکا علیه ج.ا.ایران را تغییر دهد. (اسلامی و نقدی، ۱۳۹۵)

(۳) «فرزاد پورسعید و مهدی شاپوری» (۱۳۹۷) در مقاله «دولت ترامپ و شوروی‌سازی جمهوری اسلامی ایران؛ چرایی و چگونگی» اینگونه نتیجه‌گیری می‌کنند که هدف دولت ترامپ از سیاست مهار خود در قالب راهبرد «فشار حداکثری» علیه ج.ا.ایران، شوروی‌سازی (فروپاشی) جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از تجارب دولت ریگان درباره اتحاد شوروی است. (پورسعید و شاپوری، ۱۳۹۷)

(۴) «علی آدمی و الهام کشاورز مقدم» (۱۳۹۴) در مقاله «جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» این نتیجه‌گیری را می‌گیرند که ظرفیت‌های ژئوپولیتیکی ایران، امنیت ملی آن را به شدت تحت تأثیر محیط منطقه‌ای خاورمیانه قرار داده است. از این رو عملکرد امنیتی ایران در تحولات ناشی از بیداری اسلامی، حمایت از گروه‌های شیعی در یمن و بحرین و همچنین حضور فعالانه در عراق و سوریه را می‌توان تلاشی جهت حفظ و افزایش قدرت مجموعه امنیتی محور مقاومت و درواقع تأمین امنیت ملی ج.ا.ایران دانست. (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹۴)

(۵) «محمد داوند و همکاران» (۱۳۹۷) در مقاله «تأثیر انقلاب اسلامی بر هندسه قدرت مقاومت اسلامی در غرب آسیا» این نتیجه‌گیری را کرده‌اند که ج.ا.ایران بر اساس اصول اصلی انقلاب که مقاومت در برابر نظام سلطه (نومحافظه‌کاری) از مهم‌ترین ارکان آن است، توانسته در پرتو حمایت از گروه‌های مقاومت به تغییر هندسه قدرت در غرب آسیا کمک کند. (داوند و همکاران، ۱۳۹۷)

(۶) «آرین طباطبایی و کالین کلارک» (۲۰۱۹) در مقاله «گروه‌های هم‌پیمان ایران بیش از هر زمان دیگری قدرتمند هستند» اینگونه نتیجه‌گیری می‌کنند که ج.ا.ایران به‌منظور مقابله با نفوذ آمریکا در غرب آسیا به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۳ درصدد تشکیل محور مقاومت برآمده و با وجود افزایش فشارهای ساختاری نظام بین‌الملل بر ج.ا.ایران به‌ویژه در دو سال

اخیر، گروه‌های مقاومت مورد حمایت ایران همچنان دست بالا را در منطقه داشته‌اند. (Tabatabai&Clarke, 2019)

پژوهش‌های معرفی شده هرکدام بخشی از موضوع پژوهش را کاویده‌اند. با این حال هیچ‌کدام به موضوع محور مقاومت به‌عنوان ابزار بازدارندگی ناهمطراز ج.ا.ایران برای مقابله با سیاست مهار آمریکا نپرداخته‌اند. از این‌رو، نوآوری پژوهش حاضر در این است که با بهره‌گیری از یک چارچوب نظری، کنش و واکنش میان ج.ا.ایران و آمریکا را در قالب دو مفهوم «مهار» و «بازدارندگی ناهمطراز» بررسی کرده و ساماندهی یک بلوک سیاسی-نظامی با عنوان محور مقاومت از سوی ج.ا.ایران را به‌عنوان یک ابزار دفاعی برای مقابله با فشار ساختاری آمریکا در کانون توجه خود قرار داده است.

۴-۱. سؤال‌های تحقیق

۴-۱-۱. سؤال اصلی

نقش محور مقاومت در بازدارندگی ناهمطراز ج.ا.ایران در برابر سیاست مهار آمریکا در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰ چگونه ارزیابی می‌شود؟

۴-۱-۲. سؤال فرعی

روندهای مؤثر بر محور مقاومت در بازدارندگی ناهمطراز ج.ا.ایران در برابر آمریکا در افق ۲۰۲۵ چگونه ارزیابی می‌شود؟

۵-۱. هدف‌های تحقیق

۵-۱-۱. هدف اصلی

تحلیل نقش محور مقاومت در بازدارندگی ناهمطراز ج.ا.ایران در برابر سیاست مهار آمریکا در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰.

۵-۱-۲. هدف فرعی

تحلیل روندهای مؤثر محور مقاومت در بازدارندگی ناهمطراز ج.ا.ایران در برابر سیاست مهار آمریکا در افق ۲۰۲۵.

۱-۶. روش تحقیق

این پژوهش برای استدلال و تحلیل یافته‌های خود روش ترکیبی (کیفی و کمی) دارد. در بخش نخست این تحقیق با مراجعه به مراکز مختلف علمی و پژوهشی و استفاده از فیش‌برداری به گردآوری اطلاعات لازم در رابطه با موضوع اقدام گردیده که با توصیف مبانی نظری و یافته‌های موردنیاز زمینه بررسی و تحلیل منطقی نقش محور مقاومت در بازدارندگی ج.ا.ایران در برابر سیاست مهار آمریکا براساس ادبیات مربوطه فراهم گردیده است. در بخش دوم یافته‌ها و مفروضه‌های بخش نخست به صورت میدانی و با استفاده از پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس به منظور استخراج ابعاد مسئله از دیدگاه نخبگان در زمینه هدف‌های تحقیق تعداد ۱۵ گویه در قالب طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت از (خیلی زیاد) تا (خیلی کم) طراحی شد که روایی منطقی آن از جنبه ظاهری و محتوایی از سوی خبرگان صاحب‌نظر در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل تأیید گردید. همچنین لازم به گفتن است که نوع تحقیق کاربردی، قلمرو مکانی آن منطقه غرب آسیا و قلمرو زمانی آن سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۵ است.

۱-۶-۱. جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش شامل خبرگان حوزه‌های علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای می‌باشد که دارای مدرک تحصیلی دکتری و بین ۵ تا ۱۵ سال سابقه کاری در موضوعات راهبردی بوده و با مسائل سیاست خارجی ایران در غرب آسیا، محور مقاومت و بازدارندگی ناهمطراز آشنایی کامل داشته و به صورت هدفمند تعیین شده‌اند. بر این اساس جامعه آماری معادل ۳۰ نفر بوده و با توجه به اینکه این تعداد کمتر از ۱۰۰ نفر می‌باشد، بنابراین حجم نمونه تمام‌شمار و منطبق با جامعه آماری موردنظر

قرار گرفته است. وضعیت تحصیلی و سابقه تخصصی جامعه نمونه به شرح جدول شماره (۱) است.

جدول شماره (۱): ویژگی جامعه آماری

سطح تحصیلات	سابقه تخصصی	فراوانی	فراوانی درصدی
دکتری	۵ سال	۹	۳۰٪
دکتری	۵ تا ۱۰ سال	۱۱	۳۶٪/۶
دکتری	۱۰ تا ۱۵ سال	۱۰	۳۳٪/۳
جمع	-	۳۰	۱۰۰

۱-۶-۲. روایی و پایایی

در بحث روایی با توجه به محقق ساخته بودن پرسشنامه، این پرسشنامه به تعداد ۱۱ نفر از صاحبزنان در حوزه‌های علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای ارائه گردید و دیدگاه‌های اصلاحی آنها اعمال شده است. پایایی (اعتبار) پرسشنامه نیز از طریق «آلفای کرونباخ» محاسبه شد. نتایج نشان دهنده ضریب آلفای کرونباخ (میانگین) ۰/۷۲ درصد است که بیانگر ثبات درونی و انسجام قابل قبول پرسشنامه می‌باشد.

۲. ادبیات و مبانی نظری تحقیق

۱-۲. تعریف مفاهیم

۱-۱-۲. سیاست مهار

سیاست مهار به کلیه فعالیت‌های دیپلماتیک، اقتصادی، نظامی و حقوقی گفته می‌شود که قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل اغلب به منظور محدود کردن تحرک منطقه‌ای، کاهش توان کنشگری و انزوای سیاسی و اقتصادی یک قدرت رقیب انجام می‌دهند. (Entessar&Afrasiab, 2019:5-6) به تعبیر دیگر سیاست مهار رویکردی تهاجمی با هدف

تعریف محدوده برای حریف در مرزهای مشخص (جغرافیایی، توان نظامی و...)، حصر ژئوپلیتیکی، منزوی کردن، کاهش توانمندی‌ها و در صورت نیاز فروپاشی آن از درون از راه اجبار و تهدید است. (نوری، ۱۳۹۸: ۲۵۰) سیاست مهار از راهبردهای مختلفی بهره می‌برد؛ با این حال با توجه به ماهیت پژوهش، تأکید اصلی بر راهبردهای دفاعی و امنیتی زیر است:

(۱) راهبرد تغییر رژیم: این راهبرد شامل اقدام‌هایی مانند مداخله در امور داخلی کشورها از راه حمایت از مخالفان شناخته شده خارج از کشور، ایجاد ارتباط با مخالفان داخلی در کشور هدف، تلاش برای تحریک جریان‌های افراطی، حمایت از رهبران غرب‌گرا، دخالت در انتخابات، حمایت مالی و اطلاعاتی به منظور براندازی، انجام شورش و کودتا می‌شود. هدف از این راهبرد انجام اقدام‌های پیشگیرانه با هدف متوقف ساختن دولت رقیب از اقدام‌هایی مانند پیوستن به یک اتحاد رقیب یا جلوگیری از افزایش ظرفیت‌های نظامی کشور هدف است که می‌تواند در آینده تهدید نظامی مهم‌تری ایجاد کند. (O'Rourke, 2020:1-5)

(۲) راهبرد فشار نظامی: این راهبرد اقدام‌هایی مانند ایجاد محدودیت در زمینه تسلیحاتی و فناوری‌های با قابلیت کاربرد دوگانه، حضور نظامی در محیط پیرامونی دولت رقیب، جنگ محدود و ترور مقام‌های نظامی را با هدف ارسال پیام به منظور عدم تأیید رفتار یک بازیگر خاص و تضعیف توانایی‌های نظامی کشور رقیب در بر دارد. (مسیبی ملک‌خیل و همکاران، ۱۱۳-۱۳۹۹: ۱۱۵) (Salame, 2019)

(۳) راهبرد موازنه‌سازی: در این راهبرد یک قدرت بزرگتر مسئولیت مستقیم را برای جلوگیری از برهم خوردن موازنه قوا از سوی یک دولت رقیب را به دوش می‌گیرد. هدف اولیه این راهبرد ایجاد بازدارندگی برای مهاجم است، اما اگر این امر به شکست بینجامد، کشور موازنه‌گر در جنگ بعدی آن شرکت می‌کند. به این معنا که قدرت هژمون نظام بین‌الملل با حضور مستقیم در مناطق مختلف جهان سعی دارد تا به کشور متخاصم این پیام را بدهد که عبور از خطوط قرمز مورد نظرش به هیچ وجه تحمل نشده و در صورت لزوم به رویارویی مستقیم نظامی خواهد انجامید. افزون بر آن قدرت‌های بزرگ می‌کوشند از راه

تشکیل ائتلاف‌های دفاعی و به‌کارگیری متحدان تازه‌نفس به مهار دولت متخاصم و جلوگیری از برهم خوردن موازنه قوا بپردازند. (مرشایمر، ۱۳۸۹: ۷۵) افزایش حضور مستقیم آمریکا در غرب آسیا به‌ویژه پس از جنگ اول خلیج فارس و ایجاد ائتلاف‌های دفاعی مانند ناتوی عربی نمونه شاخص این راهبرد به‌شمار می‌رود.

(۴) راهبرد احاله مسئولیت: این راهبرد اصلی‌ترین جایگزین برای موازنه‌سازی از سوی یک قدرت بزرگ در مقابل یک دولت رقیب است. در این راهبرد برخلاف موازنه‌سازی که خود قدرت بزرگ وارد عمل شده و سعی در مهار دولت هدف به‌صورت مستقیم دارد، قدرت‌های بزرگ مهار یک دولت رقیب و متخاصم را به‌وسیله کشور دیگری انجام می‌دهند. به این معنا که قدرت‌های بزرگ سعی دارند تا با واگذار کردن مسئولیت مهار به یک قدرت بزرگ منطقه‌ای، در حاشیه باقی مانده و از این راه از هزینه مبارزه خود با قدرت رقیب و متخاصم در مناطق مختلف جهان بکاهند. به‌این ترتیب با کاستن از مسئولیت مستقیم خود، هزینه ایجاد موازنه در مقابل دولت تهدیدگر را بر دوش کشور دیگری قرار می‌دهند. (مرشایمر، ۱۳۸۹: ۱۸۸) از مهم‌ترین نمونه‌های این راهبرد می‌توان به احاله مسئولیت مهار چین به هندوستان و مهار ج.ا.ایران به عراق یعنی از سوی آمریکا اشاره کرد.

۲-۱-۲. بازدارندگی ناهمطراز^۱

ایجاد بازدارندگی ناهمطراز نقطه کانونی مقابله با سیاست مهار به‌شمار می‌رود و به اقدام‌های یک دولت تحت مهار برای دور زدن، خنثی‌سازی، مقاومت و بی‌اثرساختن فشارهای یک دولت برتر نظام بین‌الملل اشاره دارد. بازدارندگی ناهمطراز یکی از مهم‌ترین گزینه‌های راهبردی برای کشورهایی است که سعی در حفظ امنیت و بقا، تضعیف موقعیت رقبا و بی‌ثبات ساختن نظم منطقه‌ای آمرانه از راه شناخت نقاط ضعف قدرت برتر و دفع اقدام‌های خصمانه آن دارد. آنچه که اساس جنگ ناهمطراز میان دو طرف را شکل می‌دهد، تفاوت در ظرفیت‌ها- قابلیت‌ها و راهبردهاست که می‌تواند برای نمایش قدرت در میدان

نبرد به کار گرفته شود. بنابراین، در رویکرد ناهمطراز تفاوت در سطح قدرت به عدم همطرازی قدرت دو طرف منجر شده است. (Pfanner, 2005:152) از این، رو طرفی که از ظرفیت‌های قدرت کمتری برخوردار است در پی آن است که با بهره‌گیری از راهبردها، راهکنش‌ها (تاکتیک‌ها)، روابط و روش‌های مختلف به منظور غافلگیری، دور زدن یا نفی نقاط قوت حریف به او ضربه وارد سازد. در واقع، این رویکرد با بیان شواهدی اعلام می‌دارد که پیروزی همواره از آن نیروهای نظامی قوی و مجهزتر نبوده و تاریخ پُر از نمونه‌هایی است که در آن یک طرف قوی‌تر نتوانسته خواسته‌های خود را بر طرف ضعیف‌تر تحمیل کند. از این رو، یکی از اقدام‌های راهبردی درپیش گرفته شده از سوی طرف‌های ضعیف‌تر، شناخت نقاط قوت و ضعف‌های راهبردی طرف قوی‌تر و اتخاذ یک راهبرد ناهمطراز است. به این معنا که اگرچه بین طرفین از منظر همطرازی قدرت تفاوت است، اما بازیگر کم برخوردارتر مجهز به تهدیدهای باورنکردنی و غافلگیرانه برای مقابله است. (Zagare&Kilgour, 1993:3-5) این راهبرد تلاش دارد قدرت و نفوذ را از راه جلوگیری دیگری از انجام کاری که مطلوبش نیست اعمال نماید. بهره‌گیری از نیروهای غیردولتی، جنگ محدود، جنگ‌های چریکی به منظور غافلگیری دشمن و حمله یا پاسخ به حمله‌ها در سطح و زمان متفاوت از ویژگی‌های بازدارندگی ناهمطراز به‌شمار می‌رود. در چنین زمینه‌ای بهره‌گیری از گروه‌های غیردولتی هم‌پیمان یکی از مهم‌ترین گزینه‌های راهبردی بازدارندگی ناهمطراز برای قدرت‌های منطقه‌ای تجدیدنظر طلب به‌شمار می‌رود. این گروه‌ها که به دلایلی چون قومیت‌گرایی، فرقه‌گرایی، مبارزه با تهدیدهای خارجی، کسب استقلال و قدرت‌یابی به وجود آمده‌اند، به دلیل داشتن شبه‌نظامیان مسلح، تفکر (ایدئولوژی) بسیج‌کننده، بهره‌گیری از مسائل قومی و پشتوانه حمایت خارجی، ظرفیت بالایی برای کنش‌گری در عرصه منطقه‌ای دارند. از این رو، یک شریک راهبردی و یک کارت امتیازگیری برای قدرت‌های منطقه‌ای به‌شمار می‌روند. زیرا به‌عنوان حامل‌های هویتی می‌توانند با ایجاد چالش برای دولت‌های رقیب، نظم منطقه‌ای را به نفع دولت حامی خود

دستخوش تغییر سازند. از این رو، دولت‌ها با یارگیری راهبردی از این گروه‌ها در محیط امنیتی پیرامونی سعی در ارتقای تعامل‌ها، افزایش ضریب امنیت ملی و کاهش محاصره و تهدیدهای خود دارند. از این راه کشورها می‌توانند نوعی بازدارندگی در مقابل تهدیدها ایجاد کنند. (Rauta, 2019:2-11)

۲-۱-۳. محور مقاومت^۱

محور مقاومت اصطلاحی است که دلالت بر کشورها و گروه‌هایی دارد که در مقابل هژمونی و سلطه‌گری آمریکا مقاومت می‌کنند. به تعبیر گویاتر محور مقاومت اسلامی در برابر ظلم، تجاوز و اشغالگری، دین‌ستیزی، سلطه استکبار و متحدان آنها شکل گرفته و هدفش حفظ حقوق، دفع ستم، رفع اشغال، حفظ استقلال، جلوگیری از سلطه و حفظ دارایی‌ها مطابق آموزه‌ها و احکام دینی می‌باشد. عدالت‌محوری، ظلم‌ناپذیری، دفاع از مظلوم و نفی سلطه کفار از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌ها در این چهارچوب می‌باشند. حفظ دین، حفظ انقلاب اسلامی و نظام ج.ا.ایران، بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی در فلسطین، دفاع از تمامیت ارضی، حفظ استقلال و حق تعیین سرنوشت و نیز جلوگیری از غارت منابع و ثروت در عراق، سوریه، لبنان، یمن و بحرین، از جمله هدف‌های مشخص و عینی محور مقاومت است. در این پژوهش منظور دقیق از این واژه، ج.ا.ایران و گروه‌های مقاومت اهل فلسطین، لبنان، عراق، سوریه و یمن می‌باشد. (خسروشاهین، ۱۳۹۷)

۲-۲. ادبیات تحقیق

۲-۲-۱. سیاست مهار آمریکا علیه ج.ا.ایران؛ زمینه‌ها و ابزارها

انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ نقطه عطفی در روابط ایران و آمریکا بود. واقعه‌ای که به گفته «ساموئل هانتینگتون» یک جنگ شبه‌تمدنی بین اسلام و غرب را به وجود آورد و آمریکا به‌عنوان «شیطان بزرگ» در ایران تلقی شد. (Huntington, 1996:216) این انقلاب، ایران را از ستون مهم سیاست آمریکا و آنچه «جیمی کارتر» آن را «جزیره ثبات در یکی از پرآشوب

ترین مناطق جهان» نامید به واسطه سیاست‌های تجدیدنظرطلبانه این کشور به یکی از تهدیدهای پیش‌روی نظام منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل کرد. تقابل آمریکا با ج.ا.ایران ناشی از گسسته شدن حلقه مرکزی کمربند امنیت غرب به دور شوروی به واسطه سقوط شاه و ماهیت تجدیدنظرطلبانه انقلاب اسلامی نسبت به مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی مبتنی بر بازی ابرقدرت‌ها بود. از این رو ج.ا.ایران از نظر آمریکا نیروی «گریز از مرکزی» به‌شمار می‌رفت که با اتخاذ سیاست عدم تعهد در مناسبات بین‌المللی، مقابله با نهادهای امنیتی - راهبردی سازمان‌یافته و برسازشی نشانه‌های انقلابی - هویتی در پی به چالش کشیدن هژمونی قدرت‌های بزرگ و اثرگذاری بر الگوی رفتاری آنها بود. هدف از این کنش، خارج شدن از فضای اثرپذیری یک طرفه ساختار بین‌المللی و ایفای نقش به‌عنوان یک نیروی اثرگذار - اثرپذیر بود. (متقی، ۱۳۸۸: ۱۳۵-۱۲۵) بر این اساس آمریکا، ج.ا.ایران را یک قدرت معارض تهدیدکننده منافع منطقه‌ای خود می‌دانست و درکنار افزایش حضور نظامی مستقیم در محیط امنیتی پیرامونی ج.ا.ایران از سیاست مهار با هدف محدودسازی نفوذ راهبردی ج.ا.ایران در منطقه در غرب آسیا و در نهایت تغییر رفتار بهره‌برده است. (Maloney, 2001:1-3) با چنین زمینه‌ای راهبردهای اصلی سیاست مهار آمریکا علیه ج.ا.ایران شامل موارد زیر بوده است:

(۱) **راهبرد تغییر رژیم:** سابقه این راهبرد به حمایت آمریکا از برخی افسران ارتش شاهنشاهی و عوامل خارج‌نشین آنها در کودتای «نقاب» و فراهم کردن بودجه‌های حمایتی برای مخالفان به‌ویژه سلطنت‌طلبان باز می‌گردد. با این حال، در دو دهه اخیر آمریکا این راهبرد را در قالب‌های جدیدی چون برگزاری کنفرانس‌های ضدایرانی، حمایت از معترضان انتخابات ۸۸، حمایت مالی از بنگاه‌های خبرپراکنی مانند «رادیو فردا» و «صدای آمریکا»، خارج کردن منافقین از فهرست گروه‌های تروریستی و تلاش برای براندازی از راه ایجاد ناآرامی‌های خیابانی سال ۹۸ دنبال کرده است. (غریب‌زندی، ۱۳۸۸: ۱۰۱؛ ریاضی و دیگران،

(۲) **راهبرد فشار نظامی:** سابقه این راهبرد به اقدام‌هایی مانند عملیات «پنجه عقاب» (طبس)، جنگ محدود در جریان عملیات دریایی آخوندک و هدف قراردادن هواپیمای مسافربری توسط ناو «وینسنس» در خلیج فارس در دهه نخست پس از پیروزی انقلاب باز می‌گردد. این راهبرد در دوران اخیر در قالب اعمال تحریم نظامی - تسلیحاتی، تصویب قطعنامه شورای امنیت، قراردادن سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی، اعزام ناو «آبراهام لینکن» به خلیج فارس و ترور سردار شهید سلیمانی از سوی آمریکا پیگیری شده است. (Katzman, 2020:20)

(۳) **راهبرد موازنه‌سازی:** در سال‌های پیش از ۲۰۰۳ این راهبرد در قالب اقدام‌هایی چون تقویت پایگاه‌های نظامی، تأسیس «فرماندهی سنتکام»، ایجاد نیروی واکنش سریع، اتخاذ سیاست مهار دوگانه، ارائه طرح امنیتی ۶+۲ در دهه ۱۹۹۰ و تشکیل ائتلاف دفاعی ۶+۲ از سوی آمریکا دنبال شد. این راهبرد در سال‌های پس از حمله آمریکا به عراق از طریق افزایش حضور مستقیم در منطقه، تقویت ترتیبات نظامی - امنیتی دوجانبه با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و افزایش فروش تسلیحات تداوم یافت. (اسدی‌فر، ۱۳۸۷:۱۹۸-۱۹۶) آخرین اقدام در این زمینه طرح تشکیل ائتلاف ناتوی عربی به منظور مهار ایران بوده است.

(۴) **راهبرد احاله مسئولیت به متحدان:** در سال‌های اخیر مهم‌ترین وجه این راهبرد در احاله مسئولیت مهار ج.ا.ایران به ائتلاف عربی - عبری به منظور محدودسازی تحرک منطقه ای و کاهش توان کنشگری ج.ا.ایران در دو محور خلیج فارس و شرق مدیترانه بازتاب یافته است. (کریمی و موسوی، ۱۳۹۸:۱۱۸-۱۰۴)

۲-۲-۲. محور مقاومت به مثابه ابزار بازدارندگی ناهم‌تراز ج.ا.ایران

مطابق فرمایشات رهبر معظم انقلاب، هدف ج.ا.ایران به‌ویژه در دو دهه اخیر تلاش برای آماده‌سازی بستر تغییر نظم منطقه‌ای مبتنی بر هژمونی آمریکا بوده است. بازتاب این

امر افزایش عمق بخشی و نفوذ گفتمان مقاومت در منطقه غرب آسیا بوده است. این امر از این جهت دارای اهمیت است که تثبیت جایگاه منطقه‌ای یکی از مهم‌ترین مضامین شکل‌دهنده به سیاست منطقه‌ای ج.ا.ایران بوده است. به این معنا که چهل سال سیاست مهار آمریکا علیه ج.ا.ایران در قالب سیاست فشار حداکثری به همراه فقدان متحدین قدرتمند، عدم وجود تضمین امنیتی و وجود مخالفان زیاد بین‌المللی و منطقه‌ای، برداشت رهبران کشور از تهدیدهای پیرامونی را شکل داده است. از این رو، ایجاد یک بلوک سیاسی-نظامی با عنوان محور مقاومت در راستای مقابله با سیاست محدودکردن توان کنشگری و تحرک ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران از سوی آمریکا بوده است. بازدارندگی ناهمطراز ج.ا.ایران که در سطح راهبردی ریشه در گفتمان مقاومت دارد، به یک الگوی رفتاری به‌منظور ایستادگی یک بازیگر در برابر تحولات برهم زننده وضع موجود و مناسبات یک دولت اشاره دارد. در واقع سیاست مقاومت در چارچوب نظریه انتقادی معتقد به اقدام عملی در برابر هژمونی غرب و تأکید بر پایداری، تکیه بر ظرفیت‌های درون‌زا، تداوم مبارزه و عدم تسلیم در برابر دشمن است. (مهدی‌پور، ۱۳۹۸: ۵۴۸-۵۴۳) به تعبیر رهبر معظم انقلاب، هدف از گفتمان مقاومت رسیدن به یک نقطه بازدارندگی همه‌جانبه به‌منظور مقابله با دشمن است. از آنجایی که ج.ا.ایران از ابزارهای متعارف موازنه محروم شده، طبیعی است که در پی ابزارهای نامتعارف باشد. با توجه به برتری عددی و فناوریانه آمریکا، هدف سپاه پاسداران بهره‌گیری از رویکرد ناهمطراز به‌منظور غافلگیری، ضربه‌زدن به نقاط آسیب‌پذیر دشمن و بالابردن هزینه‌های درگیری احتمالی بوده است. (جعفری، ۱۳۸۶) در چارچوب این راهبرد، ساماندهی گروه‌های محور مقاومت از سوی نیروی قدس به‌عنوان پیشران سیاست‌های منطقه‌ای ج.ا.ایران با هدف افزایش دامنه کنش‌گری منطقه‌ای، بسط گفتمان مقاومت، اعمال بازدارندگی در برابر قدرت‌های استکباری، مقابله با حصر ژئوپلیتیکی و تغییر هندسه قدرت کنونی در غرب آسیا صورت گرفته است. (مطلبی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۸-۱۰۶) بهره‌گیری از این

نیروها در راستای ایجاد یک کمر بند دفاعی، کاهش هزینه‌های درگیری و افزایش هزینه‌های متخصصان صورت پذیرفته است. منطق راهبردی ج.ا.ایران در بهره‌برداری از ظرفیت‌های این بازیگران به‌عنوان یک ارتش مقاومت در پنج محور قابل بررسی است:

(۱) نخست اینکه جبهه مقاومت عامل کلیدی اعمال بازدارندگی ناهم‌تراز در جهت مقابله با تهدیدهای آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان به‌شمار می‌رود. اهمیت این امر زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم ایران سال‌هاست که به‌دلیل فشارهای ساختاری نظام بین‌الملل از لحاظ خرید و افزایش ظرفیت متعارف نظامی در تنگنای شدیدی قرار دارد. از این رو، به‌واسطه ظرفیت ۲۵۰ هزار نفری و پیروی جبهه مقاومت از سیاست‌های کلان منطقه‌ای ج.ا.ایران، متخصصان باید در نظر داشته باشند که هرگونه حمله احتمالی به ج.ا.ایران و منافع آن می‌تواند با ضدحملات شبه‌نظامیان چندملیتی ج.ا.ایران در زمان و مکان‌های مختلف روبه‌رو شود. (International Institute for Strategic Studies, 2019)

(۲) دوم اینکه بهره‌گیری از ارتش مقاومت به‌عنوان یک نیروی بازدارنده در راستای اعمال «بازدارندگی انتقام‌جویانه» است که شامل توانایی ایجاد ترس از تلفات قابل‌توجه، نابودی زیرساخت‌های حیاتی و اختلال در فعالیت‌های اقتصادی در جهت بازداشتن دشمنان ج.ا.ایران از اقدام مستقیم نظامی علیه کشور و منافع آن می‌شود. این همان رهنامه‌ای است که امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) از آن به‌عنوان «دکترین تهدید در پاسخ تهدید» یاد کرده است. (افتخاری و کلانتری، ۱۳۹۳: ۷۸)

(۳) سوم اینکه ابزاری در جهت تحقق هدف‌های ج.ا.ایران برای گسترش نفوذ و عمق‌بخشی منطقه‌ای در غرب آسیا از راه پشتیبانی از گروه‌های مقاومت در کشورهای عراق، سوریه و لبنان و جلوگیری از مداخله‌های خارجی در این کشورها که به‌عنوان حوزه نفوذ ج.ا.ایران به‌شمار می‌رود. (Soufan, 2018:1-13)

(۴) چهارم اینکه عمق راهبردی کلیدی‌ترین مفهوم این عرصه برای درک سیاست‌های ج.ا.ایران است. برداشت رهبران ج.ا.ایران از چهل سال فشار ساختاری - به‌ویژه تجربه جنگ هشت ساله با عراق - این بوده که تا زمانی که قدرتمند نشوند در برابر فشارها

آسیب‌پذیرند. از نظر این رهبران، تنها در صورتی که توازن قدرت به نفع آنها باشد هم قدرت و هم امنیت کشور حفظ خواهد شد. از نگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) منطق کنشگری ج.ا.ایران در منطقه، دستیابی به عمق راهبردی در جهان به‌ویژه غرب آسیا است.^۱

(۵) پنجم اینکه به چالش کشیدن نظم آمریکایی در منطقه و صدور انقلاب اسلامی به کشورهای منطقه از کلیدی‌ترین دستورکارهای کنشگری منطقه‌ای ج.ا.ایران است که در آن نقش نیروهای هم‌پیمان جبهه مقاومت بسیار برجسته است. به هر میزان که قلمرو نفوذ جبهه مقاومت در سراسر منطقه گسترش یابد، «نظم شیعی» به سطحی از «موازنه ایدئولوژیک» در برابر «نظم آمریکایی» دست پیدا کرده و سطح کنشگری ژئوپلیتیکی آمریکا محدود می‌شود. با وجود افزایش فشار ناشی از اعمال فشار حداکثری ترامپ، حمایت ج.ا.ایران از گروه‌های مقاومت در چهار کشور عراق، سوریه، لبنان و یمن در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۶ حدود ۵۰ درصد افزایش داشته است. همچنین تعداد نیروهای مقاومت نیز افزایش قابل توجهی در این دوره نشان می‌دهد. (Jones, 2020:11) ج.ا.ایران به عنوان رهبر جبهه مقاومت با تأکید بر ارزش‌های اسلامی تلاش دارد تا در کنار مدیریت ژئوپلیتیک غرب آسیا، با گسترش آرمان مقاومت در نوار غزه فلسطین اشغالی، عراق، سوریه، لبنان و یمن، عمق‌بخشی خود را گسترش دهد:

(۱) **نوار غزه فلسطین اشغالی:** حمایت و ساماندهی گروه‌های مقاومت فلسطینی ساکن در نوار غزه به منظور اعمال بازدارندگی در برابر رژیم صهیونیستی از سوی ج.ا.ایران دنبال شده است. در میان گروه‌های فلسطینی، جنبش حماس به دلیل وجود اشتراکاتی همچون اعتقاد به التزام دین و سیاست، اعتقاد به قانونگذاری بر اساس شریعت اسلامی، نامشروع دانستن رژیم صهیونیستی و نگاه منفی به غرب بیش از سایرین در ارتباط با محور مقاومت بوده است. (الحمد و برغوثی، ۱۳۸۲: ۶۷-۶۲) روابط ج.ا.ایران با حماس پس از پیروزی آنها در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۶ فلسطین و تشکیل دولت خودگردان به نخست‌وزیری

۱. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری مورخ ۱۳/۰۶/۱۳۹۳.

اسماعیل هنیه وارد مرحله جدیدی شد و ج.ا.ایران حمایت‌های مالی، سیاسی و نظامی خود به این گروه را افزایش داد. اگرچه حمایت نیروی قدس از حماس بر سر تفاوت دیدگاه‌ها در جریان حوادث سوریه کاهش یافت، با این وجود به دلیل وجود دشمن مشترک به طور کامل قطع نشد. افزایش توان موشکی حماس در سال‌های اخیر محصول این همکاری مشترک است. در این راستا شخصیت‌های ارشد حماس همچون «محمود الزهار» آشکارا اعلام کرده‌اند که نیروی قدس در ساخت موشک‌های دوربرد و تحویل برخی موشک‌ها به آنان کمک مالی - تسلیحاتی کرده است. افزون بر حماس، برقراری روابط با برخی گروه‌های کوچک‌تر ساکن در نوار غزه همچون جهاد اسلامی فلسطین و جنبش تازه‌تأسیس «حرکت الصابرين» از دیگر تلاش‌های ج.ا.ایران در این زمینه به‌شمار می‌رود. (International Institute for Strategic Studies, 2019:74)

(۲) عراق: به علت داشتن مرز زمینی طولانی (حدود ۱۵۰۰ کیلومتر) مهم‌ترین اولویت و حلقه امنیتی ج.ا.ایران در خارج از مرزها به شمار می‌رود. به همین دلیل، تضمین حکومت مرکزی، احساس عدم تهدید از جانب مرزهای غربی و مقابله با تهدیدهای ناشی از حضور آمریکا در عراق باعث شده تا ج.ا.ایران در قالب حمایت از گروه «حشدالشعبی» نفوذ خود را در این کشور گسترش دهد. این گروه در سال ۲۰۱۴ با فتوای جهاد «آیت‌الله سیستانی» در زمانی که ارتش عراق از هم گسسته بود و داعش مناطق عمده‌ای از استان‌های دیالی، صلاح‌الدین، انبار و نینوا را در اختیار داشت به وجود آمد. اگرچه بدنه اصلی این گروه شیعیان بودند، اما در ادامه سنی‌ها و اکراد نیز به آن ملحق شدند و در آزادسازی مناطق زیرسلطه داعش در عراق نقش کلیدی داشتند. (Chmaytelli, 2017) اهمیت حشدالشعبی ناشی از دو کارویژه این گروه برای ج.ا.ایران بوده است. نخست استقرار نیروهای مقاومت در مناطق جغرافیایی مهم عراق همچون استان الانبار که امکان جابه‌جایی رزمندگان مقاومت و ارسال کمک‌های تسلیحاتی ارسالی از گذرگاه مرزی عراق - سوریه در این منطقه را فراهم می‌سازد. دوم افزایش نفوذ سیاسی گروه‌های مقاومت در ساختار قدرت سیاسی عراق که موجب ارتقای عمق‌بخشی ج.ا.ایران به عنوان رهبر محور مقاومت می‌شود. حشدالشعبی یک گروه ۱۰۰ هزار نفری برآورد شده که متشکل از چهار جریان هم‌پیمان

ایران، کتائب حزب‌الله، سازمان بدر، عصائب اهل‌الحق و حزب‌الله نجبا هستند. قرارگرفتن فهرست ائتلاف فتح به رهبری هادی عامری به‌عنوان جناح سیاسی حشدالشعبی در رده دوم ائتلاف‌های پیروز انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۸ نشان از تداوم نفوذ متحد ج.ا.ایران در ساختارهای سیاسی عراق دارد. پس از ترور سپهبد شهید سلیمانی و ابومهندس المهدی ج.ا.ایران کوشیده تا از طریق گروه‌های مقاومت در عراق، آمریکا را به چالش بکشانند. تصویب طرح خروج آمریکا در پارلمان عراق از سوی متحدان محلی ج.ا.ایران و حملات نیروهای مقاومت از جمله کتائب حزب‌الله به پایگاه‌های آمریکایی از جمله کمپ «التاجی» در ۱۱ مارس ۲۰۲۰ از جمله اقدام‌های نیروهای متحد ج.ا.ایران در برابر آمریکا به‌شمار می‌رود. (Ibish, 2020)

(۳) سوریه: به‌دلیل داشتن نگرانی‌های مشترک منطقه‌ای چون مخالفت با نفوذ غرب در غرب آسیا، اتخاذ رویکرد ضدصهیونیستی و حمایت از گروه‌های مقاومت در لبنان و فلسطین، سوریه مهم‌ترین دولت متحد ج.ا.ایران در غرب آسیا به‌شمار می‌رود. جایگاه راهبردی سوریه در پیوند سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا، همسایگی با لبنان، عراق و رژیم صهیونیستی، کریدور ارتباطی ج.ا.ایران با حزب‌الله لبنان در مسیر راهبردی تهران-بغداد-دمشق-بیروت از جمله دلایل قلمدادکردن این کشور به‌عنوان عمق راهبردی ج.ا.ایران به‌شمار می‌رود. (Goodarzi, 2013:47-51) وقوع جنگ فراگیر سوریه به‌دلیل نقش راهبردی-ژئوپلیتیکی این کشور در اتصال محور مقاومت، ارتباط مستقیمی با امنیت ملی و راهبرد منطقه‌ای ج.ا.ایران داشت. از این‌رو، ج.ا.ایران تمام‌قد به پشتیبانی از دولت مستقر در سوریه پرداخت و به سازماندهی یک گروه ۱۰۰ هزار نفری با نام «نیروی دفاع ملی»^۱ به رهبری «هلال اسد» به‌منظور مقابله با گروه‌های مسلح مخالف اقدام کرد. این گروه نقش مهمی در پاک‌سازی مناطق مختلف سوریه از تروریست‌های تکفیری داشت. تیپ امام باقر^۲، تیپ ابوالفضل‌العباس^۳، قوات الرضا، فوج سیده زینب^۴ و تیپ سیده رقیه^۵ از

مهم‌ترین گروه‌های شیعه سوری نزدیک به ج.ا.ایران به شمار می‌روند. افزون بر نیروی دفاع ملی، شیعیان افغانی و پاکستانی وابسته ج.ا.ایران در دو تیپ ۵۰۰۰ نفره نظامی فاطمیون و زینبیون در نبرد سوریه به مقابله با مخالفان مسلح بشار اسد پرداختند. اهمیت این گروه‌های مقاومت برای ج.ا.ایران ناشی از کارکرد سه‌گانه آنها مبنی بر حفظ یک دولت متحد راهبردی در قدرت، ایجاد یک جبهه جدید علیه رژیم صهیونیستی در جنوب سوریه و جلوگیری از قطع حلقه ارتباطی محور مقاومت (تهران-بغداد-دمشق-بیروت) بوده است. (The International Institute for Strategic Studies, 2019:96)

(۴) لبنان: این کشور به علت ظرفیت بازاریابی در برابر رژیم صهیونیستی و احیای کریدور نفوذ ایدئولوژیکی - ژئوپلیتیکی در شرق مدیترانه برای ج.ا.ایران اهمیت دارد. از این رو، حزب الله لبنان در میان شبکه مقاومت بیشترین پیوندهای اعتقادی (ایدئولوژیکی) و راهبردی را با ج.ا.ایران دارد. حزب الله لبنان بعد از دستاوردهای میدانی قابل توجه در جنگ ۲۰۰۶ با رژیم صهیونیستی، نفوذ فزاینده‌ای در ساختار دولت و پارلمان لبنان پیدا کرده است. در سطح راهبردی، اهمیت حزب الله در نفوذ منطقه‌ای ج.ا.ایران متأثر از دو کارکرد ویژه است؛ نخست افزایش ظرفیت بازاریابی در مقابل رژیم صهیونیستی و دوم عملکرد حزب الله لبنان به عنوان یک نیروی اعزامی ارتش مقاومت برای حضور در مناطق جنگی و آموزش سایر نیروها. (Hubbard&Bergman, 2020) نقش آفرینی فعال حزب الله در حفظ دولت بشار اسد و آموزش نیروهای مقاومت سوری باعث شده که امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مدیریت راهبردی محور مقاومت در سوریه را به سیدحسن نصرالله احاله کند. (بابایی، ۱۳۹۵) این گروه ۴۵ هزارنفره به بازوی عملیاتی ج.ا.ایران در مرزهای شامات و شرق مدیترانه تبدیل شده و نقش کلیدی در سیاست موازنه‌سازی ج.ا.ایران در برابر محورهای رقیب بازی می‌کند. همچنین نفوذ شاخه نظامی حزب الله به واسطه مشارکت در درگیری‌های غرب آسیا از جمله سوریه و یمن و افزایش قدرت بازاریابی آنها به واسطه افزایش توان موشکی - پهپادی در سال‌های اخیر گسترش یافته است. (Humud, 2018)

(۵) یمن: گروه انصارالله مشهور به «حوثی‌ها» احیاگر شیعه زیدی بوده و با کمک و همراهی سپاه قدس و حزب‌الله لبنان در سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۱ از نظر سیاسی و نظامی سازماندهی شده و توانستند بیشتر مناطق شمالی یمن را در اختیار بگیرند. این گروه ۲۰ هزار نفره برای ج.ا.ایران به سه دلیل مزیت راهبردی دارد: نخست به دلیل موقعیت راهبردی تنگه باب‌المندب که تسلط حوثی‌ها بر این تنگه به‌عنوان رگ کشتیرانی در کانال سوئز و همچنین بندر الحدیده، حاکمیت متحدان منطقه‌ای ج.ا.ایران را تقویت کرده است. امری که به تهران اجازه می‌دهد در صورت لزوم با ایجاد تهدیدهای ناهمپراز به هرگونه تهدید آمریکا پاسخ دهد. دوم، انصارالله بازوی عملیاتی سیاست بازدارندگی و موازنه‌سازی ج.ا.ایران در مقابل محور عربستان سعودی است. سوم، انصارالله ظرفیت بالقوه‌ای برای افزایش عمق‌بخشی گفتمان مقاومت در شبه‌جزیره عربستان به‌واسطه وجود شیعیان به‌ویژه در استان‌های شرقی عربستان سعودی دارد. (Knights, 2018:17-18) اقدام‌های تلافی‌جویانه نیروهای انصارالله در مورد هدف قراردادن فرودگاه ریاض و حمله‌های موشکی به پالایشگاه آرامکو نقطه اوج راهبرد ناهمپراز و تلافی‌جویانه گروه‌های نزدیک به ج.ا.ایران در برابر مخالفان منطقه‌ای به‌شمار می‌رود. (Behraves, 2019)



شکل شماره (۱): چارچوب مفهومی تحقیق

۳. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آنها

سؤال اصلی تحقیق عبارت بود از: «نقش محور مقاومت در بازدارندگی ناهمپراز ج.ا.ایران در برابر سیاست مهار آمریکا در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰ چگونه ارزیابی می‌شود؟» برای پاسخ به این سؤال ۶ گویه احصا شد که نتایج آن به شرح جدول شماره (۲) می‌باشد:

جدول شماره (۲): نقش محور مقاومت در بازدارندگی ناهمپراز ج.ا.ایران در برابر سیاست مهار آمریکا (۲۰۲۰-۲۰۰۳)

میانگین (درصد)	دیدگاه نمونه آماری نسبت به گویه‌ها					گویه‌های پرسشنامه	نقش محور مقاومت در بازدارندگی ناهمپراز ج.ا.ایران در برابر سیاست مهار آمریکا	رتبه
	درجه‌های ارزیابی							
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد			
۱۶/۸۳	۱	۱	۶	۱۸	۴	فراوانی	مشارکت محور مقاومت در جنگ سوریه موجب افزایش نفوذ و کنشگری ج.ا.ایران در معادلات منطقه‌ای شده است.	۱
	۳/۳	۳/۳	۲۰	۶۰	۱۳/۳	درصد		
۱۷/۹۸	۰	۱	۲	۲۱	۶	فراوانی	نقش آفرینی نیروی قدس به‌عنوان پیشران سیاست منطقه‌ای ج.ا.ایران در ساماندهی محور مقاومت و بازدارندگی ناهمپراز ج.ا.ایران مؤثر بوده است.	۲
	۰	۳/۳	۶/۷	۷۰	۲۰	درصد		
۱۷/۳۴	۰	۳	۴	۱۶	۷	فراوانی	ارتقای قدرت و نفوذ حزب‌الله لبنان در گسترش عمق راهبردی و افزایش بازدارندگی ج.ا.ایران در برابر رژیم صهیونیستی مؤثر بوده است.	۳
	۰	۱۰	۱۳/۳	۵۳/۳	۲۳/۳	درصد		
۱۶/۴۴	۰	۴	۵	۱۸	۳	فراوانی	قدرت‌گیری گروه‌های مقاومت شیعه در عراق موجب افزایش قدرت و نفوذ ج.ا.ایران به‌عنوان رهبر محور مقاومت شده است.	۴
	۰	۱۳/۳	۱۶/۷	۶۰	۱۰	درصد		
۱۶/۳۴	۰	۴	۴	۲۱	۱	فراوانی	قدرت‌گیری حوثی‌ها در یمن در ارتقای قدرت و نفوذ ج.ا.ایران به‌عنوان رهبر محور مقاومت مؤثر بوده است.	۵
	۰	۱۳/۳	۱۳/۳	۷۰	۳/۳	درصد		
۱۵/۰۴	۰	۶	۱۰	۱۳	۱	فراوانی	ارتقای توان نظامی حماس در گسترش بازدارندگی محور مقاومت به رهبری ج.ا.ایران در برابر رژیم صهیونیستی مؤثر بوده است.	۶

در تحلیل کلی این ۶ گویه به‌عنوان نقش محور مقاومت در بازدارندگی ناهمپراز ج.ا.ایران در برابر سیاست مهار آمریکا (۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰) یافته‌ها نشان می‌دهد که مؤثر بودن نقش نیروی قدس در ساماندهی محور مقاومت با ۱۷/۹۸ درصد بیشترین میزان اثرگذاری

را در سیاست منطقه‌ای ج.ا.ایران داشته و مورد قبول بیشتر خبرگان واقع شده است. پس از آن، ارتقای قدرت و نفوذ حزب الله لبنان در گسترش عمق راهبردی و افزایش بازدارندگی ج.ا.ایران در برابر رژیم صهیونیستی با ۱۷/۳۴ درصد، تأثیر مشارکت محور مقاومت در جنگ سوریه با ۱۶/۸۳ درصد، قدرت‌گیری گروه‌های مقاومت شیعه در عراق با ۱۶/۴۴ درصد، قدرت‌گیری حوثی‌ها در یمن با ۱۶/۳۴ و ارتقای توان نظامی حماس با ۱۵/۰۴ درصد در درجه‌های بعدی اثرگذاری بر نقش محور مقاومت در بازدارندگی ناهمپراز ج.ا.ایران در برابر سیاست مهار آمریکا قرار دارند.

سؤال فرعی تحقیق عبارت بود از: «روندهای مؤثر بر آینده محور مقاومت در بازدارندگی ناهمپراز ج.ا.ایران در برابر آمریکا در افق ۲۰۲۵ چگونه ارزیابی می‌شود؟» برای پاسخ به این سؤال ۹ گویه احصا شد که نتایج آماری آن به شرح جدول شماره (۳) می‌باشد.

جدول شماره (۳): روندهای اثرگذار بر نقش محور مقاومت در بازدارندگی ناهمپراز ج.ا.ایران

در افق ۲۰۲۵

میانگین (درصد)	دیدگاه نمونه آماری نسبت به گویه‌ها					گویه‌های پرشنامه	رتبه	
	درجه‌های ارزیابی							روندهای اثرگذار بر نقش محور مقاومت در بازدارندگی ناهمپراز ج.ا.ایران در افق ۲۰۲۵
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد			
۱۱/۰۴	۱	۴	۴	۱۸	۳	فرآوانی ریاست جمهوری جو بایدن بر نقش‌آفرینی محور مقاومت و بازدارندگی ناهمپراز ج.ا.ایران در برابر سیاست مهار آمریکا در افق ۲۰۲۵ تأثیر مثبت خواهد داشت.	۱	
	۳۳	۱۳/۳	۱۳/۳	۶۰	۱۰			درصد
۱۰/۵۷	۰	۲	۱۴	۱۳	۱	فرآوانی افزایش رقابت‌های ژئوپلیتیکی میان بلوک اخوانی و سلفی بر آینده محور مقاومت در افق ۲۰۲۵ تأثیر مثبت خواهد داشت.	۲	
	۰	۶/۷	۴۶/۷	۴۳/۳	۳/۳			درصد
۱۱/۴۵	۰	۰	۱۰	۱۸	۲	فرآوانی تحقق مفاد معامله قرن ترامپ بر آینده محور مقاومت در افق ۲۰۲۵ تأثیر منفی خواهد داشت.	۳	
	۰	۰	۳۳/۳	۶۰	۶/۷			درصد
۱۰/۸۶	۰	۰	۱۵	۱۴	۱	فرآوانی افزایش فشار بر حزب‌الله لبنان موجب تضعیف نقش‌آفرینی آنها در غرب آسیا در افق ۲۰۲۵ خواهد شد.	۴	
	۰	۰	۵۰	۴۶/۷	۳/۳			درصد
۱۰/۹۵	۰	۳	۸	۱۸	۱	فرآوانی تحولات یمن در افق ۲۰۲۵ به سود محور مقاومت رقم خواهد خورد.	۵	
	۰	۱۰	۲۶/۷	۶۰	۳/۳			درصد
۱۱/۶۰	۰	۲	۸	۱۴	۶	فرآوانی تداوم ثبات سیاسی در سوریه در افق ۲۰۲۵ موجب تقویت محور مقاومت خواهد شد.	۶	
	۰	۶/۷	۲۶/۷	۴۶/۷	۲۰			درصد

۹/۵۵	۱	۶	۱۴	۸	۱	فراوانی	تحولات فلسطین در افق ۲۰۲۵ به سود حماس به عنوان عضو محور مقاومت خواهد بود.	۷
	۳/۳	۲۰	۴۶/۷	۲۶/۷	۳/۳	درصد		
۱۲/۸۲	۱	۰	۲	۱۵	۱۲	فراوانی	خروج ج.ا.ایران از برجام می تواند زمینه های تضعیف کنشگری محور مقاومت و اجماع جامعه بین المللی علیه نفوذ منطقه ای ج.ا.ایران را در افق ۲۰۲۵ در برداشته باشد.	۸
	۳/۳	۰	۶/۷	۵۰	۴۰	درصد		
۱۱/۴۲	۰	۲	۹	۱۷	۲	فراوانی	افزایش مناقشه های قدرت های خارجی در عراق تأثیر منفی بر عملکرد گروه های مقاومت هم پیمان ج.ا.ایران خواهد داشت.	۹
	۰	۶/۷	۳۰	۵۶/۷	۶/۷	درصد		

در تحلیل کلی این ۹ گویه به عنوان روندهای اثرگذار بر نقش محور مقاومت در بازدارندگی ناهمپراز ج.ا.ایران در برابر سیاست مهار آمریکا در افق ۲۰۲۵، یافته ها نشان می دهد که تأثیر خروج ج.ا.ایران از برجام بر تضعیف کنشگری محور مقاومت و اجماع جامعه بین المللی علیه نفوذ منطقه ای ج.ا.ایران با ۱۲/۸۲ درصد بیشترین میزان اثرگذاری را در سیاست منطقه ای ج.ا.ایران داشته است. پس از آن تأثیر مثبت تداوم ثبات سیاسی در سوریه بر آینده محور مقاومت با ۱۱/۶۰ درصد، تأثیر منفی تحقق معامله قرن بر آینده محور مقاومت با ۱۱/۴۵، تأثیر منفی افزایش مناقشه های خارجی بر گروه های مقاومت شیعه عراقی با ۱۱/۴۲ درصد، تأثیر مثبت ریاست جمهوری بایدن بر آینده محور مقاومت با ۱۱/۰۴ درصد، تأثیر مثبت تحولات یمن بر آینده محور مقاومت با ۱۰/۹۵ درصد، تأثیر منفی افزایش فشار داخلی و خارجی بر کنشگری منطقه ای حزب الله لبنان با ۱۰/۸۶ درصد، تأثیر مثبت اختلاف های ژئوپلیتیکی و سیاسی بلوک اخوانی - سلفی بر آینده محور مقاومت با ۱۰/۵۷ درصد و تأثیر مثبت تحولات فلسطین بر آینده محور مقاومت با ۹/۵۵ درصد در رده های بعدی اثرگذاری قرار دارند.

۴. نتیجه گیری

۴-۱. جمع بندی

در پاسخ به سؤال اصلی تحقیق مبنی بر تحلیل نقش محور مقاومت در بازدارندگی ناهمپراز ج.ا.ایران در برابر سیاست مهار آمریکا در سال های ۲۰۲۰-۲۰۰۳؛ نتایج زیر به ترتیب درصد اهمیت از نظر خبرگان به دست آمده است:

- (۱) اقدام‌های نیروی قدس به‌عنوان پیشران سیاست منطقه‌ای ج.ا.ایران در ساماندهی محور مقاومت و اعمال بازدارندگی ناهمپراز در برابر رژیم صهیونیستی مؤثر بوده است.
- (۲) ارتقای قدرت و نفوذ حزب‌الله لبنان به‌عنوان یکی از اعضای محور مقاومت در گسترش عمق راهبردی و افزایش بازدارندگی در برابر رژیم صهیونیستی مؤثر بوده است.
- (۳) مشارکت محور مقاومت در جنگ سوریه موجب افزایش نفوذ و کنشگری ج.ا.ایران در معادلات منطقه‌ای شده است.
- (۴) قدرت‌گیری گروه‌های مقاومت شیعه در عراق موجب افزایش قدرت ج.ا.ایران به‌عنوان رهبر محور مقاومت شده است.
- (۵) قدرت‌گیری حوثی‌ها در یمن به‌عنوان یکی از اعضای جدید محور مقاومت در ارتقای قدرت و نفوذ منطقه‌ای ج.ا.ایران به‌عنوان رهبر محور مقاومت مؤثر بوده است.
- (۶) افزایش توان نظامی حماس به‌عنوان عضوی از محور مقاومت در اعمال بازدارندگی در برابر رژیم صهیونیستی مؤثر بوده است.
- در ارتباط با سؤال فرعی تحقیق مبنی بر روندهای اثرگذار بر آینده محور مقاومت و بازدارندگی ناهمپراز ج.ا.ایران در افق ۲۰۲۵ نتایج زیر به‌دست آمده است:
- (۱) خروج ج.ا.ایران از برجام می‌تواند زمینه‌های تضعیف کنشگری محور مقاومت و اجماع جامعه بین‌المللی علیه نفوذ منطقه‌ای ج.ا.ایران را در افق ۲۰۲۵ در برداشته باشد.
- (۲) تداوم ثبات سیاسی در سوریه در افق ۲۰۲۵ موجب تقویت محور مقاومت خواهد شد.
- (۳) تحقق مفاد معامله قرن ترامپ بر آینده محور مقاومت در افق ۲۰۲۵ تأثیر منفی خواهد داشت.
- (۴) افزایش مناقشه‌های قدرت‌های خارجی در عراق تأثیر منفی بر عملکرد گروه‌های مقاومت هم‌پیمان ج.ا.ایران خواهد داشت.
- (۵) ریاست جمهوری جو بایدن در آمریکا بر آینده نقش‌آفرینی محور مقاومت در افق ۲۰۲۵ به‌طور نسبی تأثیر مثبت خواهد داشت.
- (۶) تحولات یمن در افق ۲۰۲۵ به‌طور نسبی به سود محور مقاومت رقم خواهد خورد.

(۷) افزایش فشار داخلی و خارجی بر حزب الله لبنان تا اندازه‌ای موجب تضعیف نقش آفرینی آنها در غرب آسیا در افق ۲۰۲۵ خواهد شد.

(۸) افزایش رقابت‌های ژئوپلیتیکی و اختلاف‌های سیاسی میان بلوک اخوانی - سلفی بر آینده محور مقاومت در افق ۲۰۲۵ به‌طور نسبی تأثیر مثبت خواهد داشت.

(۸) تحولات فلسطین در افق ۲۰۲۵ به سود حماس به‌عنوان عضو محور مقاومت خواهد بود.

۲-۴. پیشنهادها

(۱) سیاست حضور در برجام در راستای مقابله با سیاست مهار فزاینده آمریکا و جلوگیری از شکل‌گیری یک اجماع بین‌المللی با همه کاستی‌های آن تداوم یابد.

(۲) با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین وجوه پروژه معامله قرن ایجاد یک اجماع منطقه‌ای علیه محور مقاومت به رهبری ج.ا.ایران است، ضروری است که ج.ا.ایران به‌منظور خنثی نمودن اثرات آن، به سمت کاهش تنش با کشورهای عربی به‌ویژه شورای همکاری خلیج فارس گام بردارد.

(۳) با توجه به اهمیت نقش محور مقاومت در بازدارندگی ناهم‌تراز ج.ا.ایران، ضروری است که در مذاکرات احتمالی با غرب در جهت کاهش فشار بر گروه‌های مقاومت اقدام‌های لازم به‌عمل آید.

(۴) با توجه به اثبات سیاست مقاومت و شکست سیاست دوستی دولت خودگردان فلسطین با آمریکا در پروژه معامله قرن، ج.ا.ایران می‌تواند از نفوذ بر متحدین فلسطینی خود در جهت همگرایی جناح‌های مختلف فلسطینی به‌منظور اتخاذ یک سیاست منسجم برای مقابله با پیامدهای این پروژه استفاده کند.



فهرست منابع

الف. منابع فارسی

۱. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مجموعه بیانات، قابل دسترسی در: www.khamenei.ir
۲. آدمی، علی، کشاورز مقدم، الهام (۱۳۹۴)، جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی ج.ا.ایران، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال چهارم، شماره ۱۲.
۳. اسدی‌فر، علی‌اکبر (۱۳۸۷)، استراتژی مهار ایران؛ ابعاد و چالش‌های منطقه‌ای، *فصلنامه راهبرد*، دوره ۱۶، شماره ۱.
۴. اسلامی، محسن، نقدی، فرزانه (۱۳۹۵)، ابزار تحریم و سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران، *فصلنامه روابط خارجی*، سال هشتم، شماره ۴.
۵. افتخاری، اصغر، کلاتری، فتح‌الله (۱۳۹۳)، بررسی و تبیین راهبرد تهدید در مقابل تهدید در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه سیاست دفاعی*، سال بیست‌ودوم، شماره ۸۸.
۶. الحمد، جواد، برغوثی، ایاد (۱۳۸۲)، *سیری در اندیشه سیاسی حماس*، ترجمه سیدحسین موسوی، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و استراتژیک خاورمیانه.
۷. بابایی، گل‌علی (۱۳۹۵)، *کتاب پیغام ماهی‌ها: سرگذشت‌نامه سردار شهید حسین همدانی*، تهران: انتشارات بعثت.
۸. پورسعید، فرزاد، شاپوری، مهدی (۱۳۹۷)، دولت ترامپ و شوروی‌سازی ایران؛ چرایی و چگونگی، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۲۱، شماره ۳.
۹. جعفری، محمدعلی (۱۳۸۶)، با شیوه‌های جنگ نامتقارن با دشمن روبرو می‌شویم، *سایت خبری بصیرت*، ۲ مهر ۱۳۸۶، قابل دسترسی در: <https://basirat.ir/fa/news/13305>
۱۰. خسروشاهین، هادی (۱۳۹۷)، بازدارندگی محور مقاومت، *روزنامه کارگزاران*، شماره ۲۵۶، قابل دسترسی در: <http://sazandeginews.com/News/900>
۱۱. داوند، محمد، اسلامی، محسن، داوند، حجت (۱۳۹۷)، تأثیر انقلاب اسلامی بر هندسه مقاومت اسلامی در غرب آسیا، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، دوره ۷، شماره ۱.
۱۲. ریاضی، وحید، اکبری، علی، باجلانی، صفدر، رضا اکبری، حسن (۱۴۰۰)، معرفی مؤلفه‌ها و ابزارهای جنگ ترکیبی آمریکا علیه ج.ا.ایران، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، دوره ۱۹، شماره ۱۰.
۱۳. سیمبر، رضا (۱۳۸۹)، سیاست خارجی آمریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه دانش سیاسی*، دوره ۶، شماره ۲.
۱۴. غرایق‌زندی، داوود (۱۳۸۸)، سیاست خارجی دولت دوم جورج واکر بوش در قبال ایران: سیاست سد نفوذ، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۱۲، شماره ۱.

۱۵. کرمی، امیرسعید، موسوی، عبدالعظیم (۱۳۹۸)، مولفه‌ها و پیامدهای ژئوپلیتیکی سیاست خارجی ترامپ علیه جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، دوره پانزدهم، شماره ۵۵.
۱۶. متقی، ابراهیم (۱۳۸۸)، *نظام دوقطبی و جنگ ایران و عراق*، تهران: مرکز اسناد دفاع مقدس.
۱۷. مرشایمر، جان (۱۳۸۹)، *تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ*، ترجمه غلامعلی چگینی، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
۱۸. مسیبی ملک‌خیل، رحیم، بیک‌بیلندی، علی‌اصغر، کریمی، وحید، محمدی‌الستی، مسعود (۱۳۹۹)، بررسی تأثیر رهنامه‌ها و راهبردهای آمریکا در ایجاد پایگاه‌های ثابت در منطقه پیرامونی ج.ا.ایران (جنوب غرب آسیا)، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، دوره ۱۸، شماره ۴.
۱۹. مطلبی، محسن، طاقی، علیرضا، عفاوی، محمدرضا (۱۳۹۶)، ظرفیت‌سنجی جنبش انصارالله یمن در عمق بخشی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه سیاست دفاعی*، دوره ۲۶، شماره ۱۰۱.
۲۰. مهدی‌پور، آسیه (۱۳۹۸)، تبیین مدل مفهومی مقاومت در اندیشه آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، *فصلنامه دانش سیاسی*، دوره ۱۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۳۰.
۲۱. نوری، علیرضا (۱۳۹۸)، مفاهیم مهار و بازدارندگی در روابط روسیه و آمریکا؛ تأثیر و پیامدها برای ایران، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره ۸، شماره ۲.

ب. منابع انگلیسی

- Behraves, M. (2019). How drone attacks on Saudi Aramco might blow up US-Iran tensions, *Al Jazeera*, September 16, Available at: <https://www.aljazeera.com/news/2019/09/drone-attacks-saudi-aramco-blow-iran-tensions190916051658838>. Html.
- Chmaytelli, M. (2017). Abadi defends role of Iranian-backed paramilitaries at meeting with Tillerson," *Reuters*, October 23, 2017. Available at: <https://fr.reuters.com/article/us-mideast-crisis-iraq-idUSKBN1CS26X>
- Entessar, N & Afrasiabi, K. (2019). *Trump and Iran: From Containment to Confrontation*, New York & London: Lexington Books.
- Goodarzi, J. (2013). Syria and Iran: Alliance Cooperation in a Changing Regional Environment, *Ortadoğu Etütleri*, Volume 4, No 2.
- Hubbard, B & Bergman, R. (2020). Warning Shots: Israel Spares Hezbollah Fighters to Avert a War, *The New York Times*, April 22, 2020. Available at: <https://www.nytimes.com/2020/04/22/world/middleeast/israel-hezbollah-knock-on-roof.html>
- Humud, C. (2018). Lebanese Hezbollah, *Congress Research Service Report*, June 22, 2018. Available at: <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/IF/IF10703>
- Huntington, S. (1996). *The Clash of Civilizations and Making of World Order*, US: Free Press.
- Ibish, H. (2020). The U.S. and Iran Inch Toward Confrontation in Iraq", *Bloomberg*, April 7, 2020. Available at: <https://www.bloomberg.com/opinion/articles/2020-04-07/the-u-s-and-iran-are-inching-toward-confrontation-in-iraq>.

9. International Institute for Strategic Studies (2019). Iran's Networks of Influence in the Middle East, November 2019. Available at: <https://www.iiss.org/publications/strategic-dossiers/iran-dossier/iran-19-03-ch-1-tehrans-strategic-intent>
10. Jones, S. (2020). Containing Tehran Understanding Iran's Power and Exploiting Its Vulnerabilities, *Center for Strategic & International Studies*, January 2020. Available at: <https://www.csis.org/analysis/containing-tehran-understanding-irans-power-and-exploiting-its-vulnerabilities>
11. Katzman, K. (2020). U.S.-Iran Conflict and Implications for U.S. Policy, *Congressional Research Service*, May 8, 2020. Available at: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/R45795.pdf>
12. Knights, M. (2018). The Houthi War Machine: From Guerrilla War to State Capture," *CTC Sentinel*, Volume 11, Issue 8.
13. Maloney, S (2001). America and Iran: From Containment to Coexistence, *Brookings*, August 15, 2001. Available at: <https://www.brookings.edu/research/america-and-iran-from-containment-to-coexistence>
14. O'Rourke, L. (2020). The Strategic Logic of Covert Regime Change: US-Backed Regime Change Campaigns during the Cold War, *Security Studies*, Volume 29, Issue 1.
15. Pfanner, T. (2005). Asymmetrical warfare from the perspective of humanitarian law and humanitarian action. *International Review of the Red Cross*, 87.
16. Rauta, Vladimir (2019), Towards a typology of non-state actors in 'hybrid warfare': proxy, auxiliary, surrogate and affiliated forces, *Cambridge Review of International Affairs*, Vol. 32. no.4.
17. Salamé, G. (2019), Remarks of SRSG Ghassan Salamé to the United Nations Security Council on the situation in Libya 29 July 2019. *UNSMIL*. 2019-07-29. Available at: <https://unsmil.unmissions.org/remarks-srsg-ghassan>
18. Soufan, A. (2018). Qassem Soleimani and Iran's Unique Regional Strategy, *Combating Terrorism Center U.S. Military Academy (CTC Sentinel)*, Volume 11, Issue 6.
19. Tabatabai, Ariane & Clarke, Colin (2019), Iran's Proxies Are More Powerful Than Ever, *Foreign Policy*, October 16, 2019. Available at: <https://foreignpolicy.com/2019/10/16/irans-proxies-hezbollah-houthis-trump-maximum-pressure>
20. Zagare, Frank & Kilgour, Marc (1993), Asymmetric Deterrence, *International Studies Quarterly*, Volume 37, Issue 1.